

## غزل شماره ۳۲۲

خیالِ نقشِ تو در کارگاهِ دیده کشیدم  
به صورتِ تو نگاری ندیدم و نشنیدم

اگرچه در طلبت هم عنانِ بادِ شمالم  
به گردِ سرو خرامانِ قامت نرسیدم

امید در شبِ زلفت به روزِ عمر نبستم  
طمع به دورِ دهانت ز کامِ دل بریدم

به شوق چشمه نوشت چه قطره ها که می‌اندم  
ز لعل باده فروشت چه عشوّه ها که خریدم

ز غمزه بر دل ریشم چه تیرها که کشادی  
ز غصه بر سر کویت چه بارها که کشیدم

ز کوی یار یار ای نسیم صبح غباری  
که بوی خون دل ریش از آن تراب شنیدم

کناهِ چشم سیاه تو بود و گردن دخواه  
که من چو آهوی وحشی ز آدمی بر میدم

چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی  
که پرده بر دلِ خونین به بوی او بدیدم

به خاک پای تو سوکند و نور دیده حافظ  
که بی رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم

## تفسیر فال

برای رسیدن به مال دنیا، هرگز نباید در دام طمع بیفتی، زیرا هرچه بیشتر به دنبال انباشت ثروت باشی، آنچه را که داری نیز از دستانت می‌گریزد و به سرعت از بین می‌رود. تلاش‌ها و نقشه‌های تو ممکن است همگی نقش بر آب شده باشد و این امر ناشی از انتخاب‌ها و رفتارهای خودت است؛ اما با وجود این چالش‌ها، هنوز هم نسیم لطف الهی می‌تواند دل پر خون تو را التیام بخشد و آرامش را به زندگیت بازگرداند. اگر اراده کرده‌ای که همه چیز

را دوباره مانند روزهای اول احیا کنی، باید بدانی که با کوشش و ایمان خود  
به این هدف خواهی رسید. ان شاءالله که موفقیت در انتظار توست.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا